

## بی‌تصمیمی مسیر شغلی در دانش‌آموزان پایه دوازدهم:

### بررسی نقش عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری، اشتغال و تحصیلات والدین

رضوان صالحی<sup>۱</sup>

آرزو رحمانی<sup>۲</sup>

ذبیح الله کاوه<sup>۳</sup>

#### چکیده

تصمیمات شغلی از جمله پیچیده‌ترین و دشوارترین تصمیماتی هستند که باید در طول زندگی گرفته شود. آن‌ها شامل عوامل و جنبه‌های بسیاری هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی بی‌تصمیمی مسیر شغلی در دانش‌آموزان پایه دوازدهم با تمرکز بر نقش عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری، اشتغال و تحصیلات والدین بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان پایه دوازدهم متوسطه دوم شهرستان بروجن بوده که تعداد آنها در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، ۱۲۷۶ نفر بود. حجم نمونه بر اساس جدول کریسنی و مورگان ۳۲۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. در مرحله اول پژوهش، نمونه موردنظر به پرسشنامه بی‌تصمیمی شغلی پاسخ دادند. سپس داده‌های بدست آمده از بی‌تصمیمی مسیر شغلی در نمونه مورد نظر به نمرات استاندارد Z و سپس به نمرات T تبدیل شدند. افرادی که نمراتشان یک انحراف بالاتر از میانگین بود به عنوان گروه بی‌تصمیم شغلی و افرادی که یک انحراف پایین‌تر از میانگین بودند به عنوان گروه با تصمیم‌گرایی شدند (هر گروه ۵۸ نفر- در کل ۱۱۶ نفر). والدین این دو گروه به پرسشنامه‌های عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری، همچنین ویژگی‌های دموگرافی شامل وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی اقتصادی پاسخ دادند. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS۲۲ استفاده شد. ابتدا نقش عوامل جنسیت، رشته تحصیلی و وضعیت اجتماعی اقتصادی در دو گروه با استفاده از آزمون خی‌دو بررسی شد. نتایج نشان داد که نقش جنسیت و وضعیت اجتماعی اقتصادی در دو گروه بی‌تصمیم و با تصمیم

۱- استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)  
r.salehi@sku.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

۳- استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

معنی‌داری نیست اما بی‌تصمیمی بر اساس رشته تحصیلی در دو گروه معنی‌دار است. بنابراین نقش رشته تحصیلی بعنوان متغیر کنترل در تحلیل کواریانس در نظر گرفته شد. خلاصه نتایج آزمون تحلیل کواریانس، نشان داد که عملکرد خانواده در دو گروه بی‌تصمیم و باتصمیم متفاوت است ( $P < 0/01$ ). بنابراین بی‌تصمیمی شغلی در دانش‌آموزان، با عملکرد پایین خانواده مرتبط می‌باشد. همچنین سبک‌های فرزندپروری در دو گروه بی‌تصمیم و باتصمیم متفاوت بود ( $P < 0/01$ ) بدین ترتیب که سبک فرزندپروری مقتدرانه با تصمیم‌گیری شغلی و سبک‌های مستبدانه با بی‌تصمیمی شغلی ارتباط دارد. نتایج آزمون خی‌دو نیز برای بررسی نقش اشتغال و تحصیلات نیز نشان داد که تحصیلات مادر در دو گروه بی‌تصمیم و باتصمیم متفاوت است ( $P < 0/01$ ) اما اشتغال مادر، اشتغال پدر و سطح تحصیلات پدر در دو گروه تفاوت معنی‌داری ندارد.

**واژه‌گان کلیدی:** بی‌تصمیمی مسیر شغلی، عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری، اشتغال والدین، تحصیلات والدین.

## مقدمه

تصمیمات شغلی از جمله پیچیده‌ترین و دشوارترین تصمیماتی هستند که باید در طول زندگی گرفته شود و شامل عوامل و جنبه‌های بسیاری هستند که باید مورد توجه قرار گیرند (دیفابیو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). واژه تصمیم‌گیری به فرایندهای ذهنی (شناختی) گفته می‌شود که به انتخاب یک اقدام در میان اقدامات جایگزین می‌انجامد (دوبری و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). در دوران نوجوانی و جوانی، انتخاب شغل و متعهد بودن به آن یکی از چالش‌های اصلی رشد است (سوپر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰) و انتخاب یک تصمیم روشن شغلی در دوران دبیرستان، نه تنها خودتنظیمی دانشجویان در دوره لیسانس را به همراه می‌آورد، بلکه نقش مهمی در حفظ سلامت روانی و جسمی فرد دارد (اوتایاکومار و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). بنابراین تصمیماتی که یک نوجوان می‌گیرد می‌تواند به نتایج مهمی در آینده منجر شود (هکت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

با این حال، انتخاب شغل ممکن است به دلایل مختلفی به خطر بیفتد (کلی و لی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲) که منجر به بی‌تصمیمی شغلی، ناتوانی در انتخاب یک هدف شغلی و تعهد به آن می‌شود (گاتی و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶) و می‌تواند به اندازه دیگر تصمیمات شغلی بر زندگی افراد تاثیر بگذارد (هاکت و بتز، ۱۹۹۵).

گرین هاوس و همکاران<sup>۸</sup> (۱۹۹۵) معتقد بودند بی‌تصمیمی شغلی موقعی است که فرد هدف شغلی خود را انتخاب نکرده است یا اگر هدفی را برای خود انتخاب کرده است، همراه با حالت ناراحتی و بی‌اعتمادی به انتخاب خود است. در این تعریف به جز عنصر شناختی به مؤلفه عاطفی هم توجه شده است. در واقع بی‌تصمیمی شغلی تقریباً به طور انحصاری بر پیامدهای منفی ناشی از عدم درک خود از مهارت‌ها و توانایی‌های خود، فقدان اطلاعات خاص در مورد مشاغل مختلف، بازار کار و ترس از تعهد به مسیرهای شغلی خاص متمرکز است

<sup>1</sup> Fabio, Palazzeschi, Asulin-Peretz, & Gati

<sup>2</sup> Dewberry, Juanchich, & Narendran

<sup>3</sup> Super

<sup>4</sup> Uthayakumar, Schimmack, Hartung, & Rogers

<sup>5</sup> Hackett

<sup>6</sup> Kelly and Lee

<sup>7</sup> Gati, Krausz, & Osipow

<sup>8</sup> Greenhaus, Callanan, & Kaplan

(دانیلز و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). بدین ترتیب به نظر می‌رسد دانش‌آموزان دبیرستانی در فرآیند تصمیم‌گیری شغلی با مشکل مواجه هستند، احساس سردرگمی می‌کنند و نمی‌توانند مسیر شغلی خود را انتخاب کنند (میلر و روتینگهاوس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

تحقیقات مختلفی بر روی عوامل موثر بر بی‌تصمیمی شغلی انجام شده است. والکر و پاترسون<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) به نقش افسردگی؛ کلیمان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) به رابطه تغییرات منفی و مشکلات تصمیم‌گیری؛ کیشور<sup>۵</sup> (۱۹۸۱)، تیلور<sup>۶</sup> (۱۹۸۲) و سانتوس<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) به نقش منبع کنترل بیرونی در بی‌تصمیمی و یا بلاتکلیفی مسیرشغلی نوجوانان اشاره کرده‌اند.

از عوامل مورد توجه در تصمیم‌گیری و بی‌تصمیمی شغلی، عوامل مربوط به خانواده است. در طول دو دهه گذشته علاقه فزاینده‌ای به نحوه دخیل شدن پویایی خانواده در تصمیم‌گیری شغلی وجود داشته است (ویستون و کلر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴). پورتس و همکاران<sup>۹</sup> (۱۹۹۲) عملکرد خانواده<sup>۱۰</sup> را توانایی خانواده در انطباق با شرایط ایجاد شده در طول حیات، حل تعارض‌ها، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی و رعایت مرزهای بین افراد با هدف صیانت از نظام خانواده می‌دانند. به زعم ژائو و همکاران (۲۰۱۲) خانواده‌ها می‌توانند یک عامل خطر یا مانعی برای انتخاب شغل باشند. اگرچه که عوامل شخصی نقش مهمی در تصمیم‌گیری شغلی دارند، عوامل زمینه‌ای، حمایت خانواده، حمایت مدرسه و حمایت همسالان نیز، باهم، بر طرح‌ریزی شغلی و تصمیم‌گیری نوجوانان تأثیر می‌گذارد (مکی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹). جوانانی که احساس می‌کنند از خانواده‌ها، مدارس و همسالان خود حمایت می‌شوند، در مورد انتخاب‌های شغلی خود مطمئن‌ترند (جمینی‌گاشی و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۱). همچنین پارولا<sup>۱</sup> و همکاران

<sup>1</sup> Daniels et al

<sup>2</sup> Miller & Rottinghaus

<sup>3</sup> Walker & Peterson

<sup>4</sup> Kleiman, Gati, Peterson, Sampson, Reardon & Lenz

<sup>5</sup> Kishor

<sup>6</sup> Taylor

<sup>7</sup> Santos

<sup>8</sup> Whiston & Keller

<sup>9</sup> Portes, Howell, Brown, Eichenberger, & Mas

<sup>10</sup> Family function

<sup>11</sup> McKay

<sup>12</sup> Jemini-Gashi, Duraku, Kelmendi

(۲۰۲۲) در تحقیقات خود تاثیر رفتارهای شغلی والدین بر تصمیم‌گیری شغلی را نشان دادند. مطالعات دیگر نشان دادند که حمایت والدین باعث افزایش خودکارآمدی در تصمیم‌گیری شغلی (کوش و کوکران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ لنت و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ بتز و ولف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴)، سازگاری حرفه‌ای (کنی و بلدسو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵)، کنجکاوای شغلی (کراک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷)، و کاهش عدم تصمیم‌گیری شغلی (گرا و براونگرت-ریکر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹) می‌شود.

شواهد زیادی وجود دارد که والدین بر رشد مسیر شغلی فرزندان تاثیر می‌گذارند (کلر و ویستون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ وو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹؛ فواد<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ و رایت و پرونه<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰). خانواده منبع مهمی است که دیدگاه نوجوانان نسبت به آینده را تغذیه می‌کند (کیم<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). نتیجه تحقیق متمرکزی<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۷) تاثیر هر دو خانواده، خانواده هسته‌ای و خانواده به ویژه مادر و پدر در تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان دبیرستانی را خاطر نشان می‌کند. به زعم فواد<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۶) نیز تاثیر خانواده بر تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان با مسئولیت‌پذیری خانواده، نقض شغل، اصول کار، مشارکت شغلی و تماس پیش‌بینی شده است.

به طور کلی نظرات اخیر در مورد نقش خانواده در شکل‌گیری هویت شغلی و تصمیم‌گیری شغلی حاکی از آن است که هنگامی که خانواده نوجوان را با احساس امنیت همراه کند، این امر از روند تصمیم‌گیری وی پشتیبانی می‌کند (گورا و براونگارت<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹؛ ویستون و کلر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۴). از این نظر، والدین می‌توانند منبع گران‌بهایی برای حمایت ابزاری و عاطفی برای

<sup>1</sup> Parola

<sup>2</sup> Kush, Cochran

<sup>3</sup> Lent, Brown, Nota, Soresi

<sup>4</sup> Betz, Wolfe

<sup>5</sup> Kenny, Bledsoe

<sup>6</sup> Kracke

<sup>7</sup> Gray è Braungerdt-Reeker

<sup>8</sup> Keller, Whiston

<sup>9</sup> Wu

<sup>10</sup> Fouad, Kantamneni, Smothers, Chen, Fitzpatrick, Terry

<sup>11</sup> Wright, Perrone

<sup>12</sup> Kim, Jang, Jung, Lee, Puig, Lee

<sup>13</sup> Mtemeri

<sup>14</sup> Fouad

<sup>15</sup> Guerra & Braungart

<sup>16</sup> Whiston & Keller

فرد در حال گذار (به عنوان مثال، گذار از مقاطع مختلف آموزشی یا گذار مدرسه به کار) باشند (مارکیونتی و روسیر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

از عوامل دیگر مربوط به خانواده که می‌تواند بر جنبه‌های مختلف عملکرد فرزندان تاثیر گذارد، سبک‌های فرزندپروری والدین است (کوموندورو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). آنها رو انتخاب شغل را منوط به روابط والدین با فرزندان می‌داند. این شیوه تعامل والدین با فرزندان سبک‌های فرزندپروری<sup>۳</sup> نامیده می‌شود (جاگو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارتی در یک رابطه خطی، روابط والد-کودک تا حدی تعیین کننده شخصیت فرزند و صفات شخصیتی وی، از عوامل موثر بر فرایند انتخاب شغل و عملکرد شغلی می‌باشد (بلیکل و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). طبق دیدگاه بامریند، سبک‌های فرزندپروری به سه دسته سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه تقسیم می‌شوند. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در والدینی وجود دارد که روابط گرمی با فرزندان خود دارند و هیچ تسلطی بر روی رفتار آنها ندارند و یا بسیار کم است. سبک فرزندپروری مستبدانه در والدینی دیده می‌شود که انتظار اطاعت یا فرمانبرداری شدید از فرزندانشان دارند و همچنین تمایل به اعمال سلطه از طریق تنبیه دارند و درنهایت، سبک فرزندپروری مقتدرانه در والدینی وجود دارد که رفتار والدینی انعطاف‌پذیر، واضح، روشن و باثبات دارند. آنها در عین حال که به نظرات فرزندانشان گوش می‌کنند، به استقلال و خودمختاری آنها احترام می‌گذارند و واقعیت‌ها را می‌پذیرند (کوموندورو و همکاران، ۲۰۱۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن (بلوستین<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۱) و سبک فرزندپروری مقتدرانه (تریسی<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) با کاوش بیشتر در زمینه فرصت‌های شغلی مرتبط هستند. همچنین پریشانی و نیل‌فروشان (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند یکی از عوامل مؤثر بر بی‌تصمیمی مسیر شغلی دانش‌آموزان پسر دبیرستانی، سبک سهل‌گیرانه فرزندپروری است که

<sup>1</sup> Marcionetti & Rossier

<sup>2</sup> Koumoundourou, Tsausis & Kounenou

<sup>3</sup> parenting styles

<sup>4</sup> Jago

<sup>5</sup> Blicke

<sup>6</sup> Blustien

<sup>7</sup> Tracey

بی‌تصمیمی مسیرشغلی را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کند. حسینی لواسانی و همکاران (۱۳۹۴) نیز به ارتباط بین سبک تصمیم‌گیری مقتدرانه و تصمیم‌گیری شغلی اشاره می‌کنند. از دیگر عواملی که در تصمیم‌گیری شغلی نوجوانان می‌توان به آن توجه کرد نقش تحصیلات و اشتغال والدین است. امروزه بالا رفتن سطح تحصیلات پدر و مادر از موضوعات مورد توجه در تبیین علل متغیرهای مختلف در حوزه مشاوره و روانشناسی است. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وضعیت تحصیلی و اقتصادی والدین می‌تواند بر رشد و پیشرفت تحصیلی و پیشرفت فرزندان تأثیر بگذارد. درآمد والدین نیز تأثیر قابل توجهی بر نوع تحصیل و پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد (ماچبه و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد سطح تحصیلات مادر بر خودکارآمدی فرزندان، تأثیر داشته و اشتغال آنان تفاوت معنی‌داری در خودکارآمدی دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۳).

در زمینه اثرات مثبت و منفی اشتغال مادر بر روی مسایل فرزندان نیز، نظرات متفاوتی مطرح شده است. برخی معتقدند اشتغال مادران موجب استرس و خستگی او شده و این موجب می‌شود که مادر انرژی کمتری برای فرزندان داشته باشد. نظریه دلبستگی نیز در این رابطه می‌گوید که کار، اثری ناخوشایند بر رشد کودک خواهد گذاشت (لی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷).

کاوسیان و کدیور (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی خاطر نشان کرده‌اند که اشتغال تمام‌وقت مادر، بهداشت روانی خانواده را کاهش می‌دهد. البته نوع شغل، رتبه شغلی و میزان علاقه مادر به کار هم در میزان و کیفیت مراقبت از کودکان و نوجوانان نقش دارد بر این اساس بررسی نقش اشتغال و تحصیلات والدین در تصمیم‌گیری اهمیت دارد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت بی‌تصمیمی شغلی به اندازه دیگر تصمیمات شغلی بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارند (هاکت و بتز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵)، بنابراین جای تعجب نیست که درک بلاتکلیفی و بی‌تصمیمی شغلی همچنان یکی از اصلی‌ترین موضوعات روانشناسی حرفه‌ای باشد (براون و رکتور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ ساویکاس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ اسکوریکوف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) بر این اساس

<sup>1</sup> Machebe, Ezegbe, Onuoha

<sup>2</sup> Lee

<sup>3</sup> Hackett, Betz

<sup>4</sup> Brown, Rector

<sup>5</sup> Savickas

شناسایی مشکلات خاصی که مانع روند تصمیم‌گیری شغلی افراد خصوصاً نوجوانان می‌شود در مشاوره مسیرشغلی حائز اهمیت است (اوسپیو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹) چرا که بعضی از دانش‌آموزان ممکن است به یک تصمیم شغلی مبادرت نورزند، چون روند تصمیم‌گیری شغلی برای آنها اضطراب آور است (پنگ و جانسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). این دسته از دانش‌آموزان دارای اضطراب مداوم هستند و قادر نیستند به طور مؤثری از عهده وظایف رشد شغلی خود برآیند (نالپانتاگلو یلماز و ستین گوندوز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸).

در این پژوهش، به دلیل خاص بودن مرحله نوجوانی و پایه دوازدهم، شناسایی عوامل موثر بر بی‌تصمیمی دانش‌آموزان خصوصاً نقش عوامل خانوادگی می‌تواند به محققان و عوامل مهم در برنامه‌ریزی مسیر شغلی نوجوانان کمک کند. با توجه به اهمیت شغل به‌عنوان بخشی از هویت افراد در دنیای امروز و تاثیر اجتناب‌ناپذیر خانواده، نیاز به تقویت ابعاد زندگی افراد در زمینه شغلی، یافتن علل بی‌تصمیمی شغلی می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات و پژوهش‌های دیگر برای رفع این مشکلات و یا کاهش آن و افزایش خودآگاهی افراد باشد.

با توجه به کمبود پژوهش در این زمینه و افزایش مشکلات بیکاری همچنین اهمیت و کاربرد نتایج پژوهش برای خانواده‌ها، مشاوران و مدارس برای کمک و همیاری بهتر برای پیشرفت در تحصیل و مسیر شغلی افراد، پژوهش حاضر درصدد است با کشف علل خانوادگی بی‌تصمیمی به حل بخشی از مشکلات کمک کند. اهمیت پایه دوازدهم به واسطه کنکور و شروع ادامه تحصیلات و نقش والدین به عنوان اولین گروه تأثیرگذار بر افراد در تصمیم‌گیری برای انتخاب شغل آینده و رشته تحصیلی انکارناپذیر است و با توجه به کمبود اطلاعات و تحقیقات در این زمینه تحقیق حاضر می‌تواند اطلاعات مفیدی در این زمینه ارائه دهد که موجب کمک به والدین و مدارس برای کسب اطلاعات و کمک به آنها برای یادگیری ارتباط بهتر و تاثیرگذاری مفیدتر بر فرزندان و دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین از آنجا که تاکنون پژوهشی به طور همزمان نقش عملکرد خانواده، سبک‌های فرزندپروری، اشتغال و تحصیلات والدین را در دانش‌آموزان

<sup>1</sup> Skorikov

<sup>2</sup> Osipow

<sup>3</sup> Peng, Johanson

<sup>4</sup> Nalbantoglu Yilmaz, Cetin Gunduz



پایه دوازدهم بررسی نکرده است، مسأله اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه عوامل فوق در دو گروه از دانش‌آموزان با مشکل تصمیم‌گیری مسیر شغلی یعنی بی‌تصمیمی، و دانش‌آموزان بدون مشکل تصمیم‌گیری مسیرشغلی است.

### روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. در این طرح پس از نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، بر اساس اهداف پژوهش دانش‌آموزان به دو گروه (دانش‌آموزان با مشکلات تصمیم‌گیری شغلی و دانش‌آموزان بدون مشکلات تصمیم‌گیری شغلی) تقسیم شدند و به مقایسه این دو گروه پرداخته شده است. پژوهشگر هیچ مداخله‌ای را در مورد شرکت‌کنندگان استفاده نمی‌کند و در واقع خانواده که همان متغیر اثرگذار بر دانش‌آموزان پایه دوازدهم است، قبلاً اثر خود را گذاشته و تغییرات احتمالی ناشی از آن در حیطه تصمیم‌گیری شغلی و بی‌تصمیمی شغلی مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرد.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر ابتدا شامل کلیه دانش‌آموزان پایه دوازدهم متوسطه دوم شهرستان بروجن بوده که تعداد کل آنها در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، ۱۲۷۶ نفر بود. در مرحله دوم تحقیق، دانش‌آموزان با مشکل تصمیم‌گیری و بدون مشکل تصمیم‌گیری از بین نمونه مورد بررسی، غربال شدند و در دو گروه قرار گرفتند (هر گروه ۵۸ نفر و در کل ۱۱۶ نفر). بنابراین جامعه آماری در این مرحله کلیه والدین دانش‌آموزان با و بدون مشکل تصمیم‌گیری بود.

حجم نمونه در مرحله اول پژوهش با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۸۵) ۲۹۱ نفر برآورد شد. نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در مرحله اول نمونه مورد نظر با پرسشنامه بی‌تصمیمی شغلی مورد سنجش قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، نمرات به  $Z$  و  $T$  تبدیل شد. سپس افرادی که نمراتشان یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بود به عنوان گروه با مشکل بی‌تصمیمی و افرادی که یک انحراف معیار پایین‌تر از میانگین بودند به عنوان گروه بدون مشکل تصمیم‌گیری غربال شده و مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد هر

گروه در این مرحله ۵۸ نفر بود. ویژگی‌های نمونه مورد مقایسه بر اساس متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی، تحصیلات و اشتغال پدر و مادر و همچنین وضعیت اجتماعی اقتصادی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگیهای نمونه

متغیرها		بی‌تصمیم		باتصمیم	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت	دختر	۴۸/۳	۲۸	۳۷	۶۳/۸
	پسر	۵۱/۷	۳۰	۲۱	۳۶/۲
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۳۹/۷	۲۳	۲۵	۴۳/۱
	تجربی	۳۴/۵	۲۰	۲۵	۴۳/۱
	ریاضی	۱۲/۱	۷	۸	۱۳/۸
	کار دانش و فنی - حرفه ای	۱۳/۸	۸	-	-
وضعیت اقتصادی	بد	۵/۲	۳	۱	۷/۱
	زیر متوسط	۱۳/۸	۸	۲	۳/۴
	متوسط	۵۰	۲۹	۳۷	۶۳/۸
	خوب	۲۴/۱	۱۴	۱۶	۲۷/۶
	بسیار خوب	۳/۴	۲	۲	۳/۴
	عالی	۳/۴	۲	-	-
کل		۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۵۸

### ابزار پژوهش

در این پژوهش از چهار پرسشنامه استفاده شد که در ادامه ویژگیهای روانسنجی هر یک از آنها آمده است.

**مقیاس بی‌تصمیمی مسیر شغلی<sup>۱</sup>**: مقیاس بی‌تصمیمی مسیر شغلی توسط اسپوو و همکاران (۱۹۷۶) تدوین شد. این مقیاس، ۱۸ گویه دارد که میزان بی‌تصمیمی شغلی را در بین دانش‌آموزان و دانشجویان دانشگاه اندازه‌گیری می‌کند. سوال ۱ و ۲، انتخاب فرد در زمینه تحصیل و شغل را اندازه می‌گیرد و سوالات ۳ تا ۱۸ بی‌تصمیمی شغلی افراد را اندازه‌گیری می‌کند. نمونه‌ای از گویه‌های پرسشنامه شامل «شغل خود را انتخاب کرده‌ام و احساس خوبی نسبت به آن دارم» و «می‌دانم چگونه انتخابم را عملی کنم» می‌باشد. پرسشنامه بر روی طیف لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره در این مقیاس ۱۶ و حداکثر ۸۰ است که نمرات بالاتر در این پرسشنامه میزان بالاتر بی‌تصمیمی مسیر شغلی را نشان می‌دهد.

روایی سازه و پیش بین پرسشنامه بی‌تصمیمی در پژوهش هارتمن و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) بدست آمده که ضریب همبستگی مطلوبی را گزارش کرده‌اند. همچنین در پژوهش آنان پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش شده است. اسپوو و همکاران نیز پایایی ۰/۹۵ را از طریق آلفای کرونباخ گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه را کریمی (۱۳۸۷) بر روی دانشجویان دانشگاه اصفهان اجرا کرده و پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش داده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه بی‌تصمیمی ۰/۹۵ بدست آمد.

**پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری والدین (BPS)<sup>۳</sup>**: این پرسشنامه در سال (۱۹۷۱) توسط دیانا بامریند طراحی شد و شامل ۳۰ عبارت است که سه سبک فرزندپروری استبدادی، اقتدارگرایانه و سهل‌گیرانه را می‌سنجد. هر سؤال بر حسب یک مقیاس پنج درجه‌ای ۴ (کاملاً موافقم) تا ۰ (کاملاً مخالفم) قابل پاسخگویی می‌باشد. سبک مقتدرانه شامل ۱۰ گویه (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰)؛ سبک سهل‌گیرانه شامل ۱۰ گویه (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸) و سبک استبدادی شامل ۱۰ گویه (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸) می‌شود که ۳ نمره مجزا بر اساس آن بدست می‌آید.

<sup>1</sup> Career scale indecision scale

<sup>2</sup> Hartman, Fuqua & Hartman

<sup>3</sup> Baumrind Parenting Style Questionnaire

اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی این پرسشنامه را ترجمه نموده و برای تعیین روایی صوری آن اصلاحات لازم را به عمل آورده و جمله‌های دیگری نیز به آن افزوده است. سپس روایی محتوایی آنرا با نظر ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در زمینه روانشناسی مورد تایید قرار داده است. بوری<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه پدران و مادران به شرح زیر گزارش نموده است: ۰/۸۱ برای سبک سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای سبک مستبدانه، ۰/۷۸ برای سبک مقتدرانه در بین مادران و ۰/۷۷ برای سبک سهل گیرانه، ۰/۸۵ برای سبک مستبدانه، ۰/۹۲ برای سبک مقتدرانه در بین پدران. اسفندیاری (۱۳۷۴) برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش بازآزمایی استفاده نمود. بدین ترتیب ضریب پایایی برای سبک سهل گیرانه ۰/۶۹، سبک مستبدانه ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی با روش آلفای کرنباخ برای سبک مستبدانه ۰/۷۲، سبک مقتدرانه ۰/۸۴ و سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۱ بدست آمد.

**عملکرد خانواده:** به منظور اندازه‌گیری و سنجش عملکرد خانواده از پرسشنامه سنجش خانواده (*FAD*)<sup>۲</sup> استفاده شده است. این پرسشنامه بر اساس مدل مک مستر و با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه گردیده است (اپستین و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳). مدل مک مستر از شش بعد اختصاصی و یک بعد عمومی برای سنجش کارایی خانواده تشکیل شده است. این ابعاد عبارتند از: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، واکنش‌های عاطفی، مشارکت عاطفی و مهار رفتار. طراحان *FAD*، بعد کارایی عمومی را نیز به ابعاد فوق اضافه کرده‌اند که دربرگیرنده مجموعه شش بعد دیگر بوده و میزان سلامت یا آسیب خانواده را، به‌طور کلی اندازه‌گیری می‌نماید. در این پژوهش از بعد عمومی این ابزار که زیر مقیاس عملکرد کلی خانواده<sup>۴</sup> را مورد سنجش قرار می‌دهد استفاده شد که ۱۱ گویه را شامل می‌شود. مقیاس عملکرد خانواده بر روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۵ (کاملاً موافقم) تا ۱ (کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. عباراتی که توصیف‌کننده عملکرد ناسالم است نمره معکوس

<sup>۱</sup> Buri

<sup>۲</sup> Family Assessment Device Questionnaire

<sup>۳</sup> Epstein, Baldwin, & Bishop

<sup>۴</sup> general functioning

می‌گیرند (گویه‌های ۲، ۳، ۴، ۸ و ۱۰). نمره بالا در این پرسشنامه نشان دهنده عملکرد سالم خانواده است.

در ایران نجاریان (۱۳۷۴) پرسشنامه مذکور را ترجمه، هنجاریابی کرد. وی پایایی کل آزمون را ۰/۹۳ بدست آورد. همچنین روایی سازه پرسشنامه را با استفاده از روش تحلیل عاملی بدست آورده است. همچنین این ابزار دارای روایی پیش‌بین و هم‌زمان است (ثنایی، ۱۳۷۹). بخشی پور و همکاران (۱۳۹۱) نیز همسانی درونی آنرا به روش آلفای کرنباخ برای مقیاس عملکرد کلی ۰/۷۷ گزارش کرده اند. همچنین پایای عملکرد کلی خانواده در پژوهش حاضر ۰/۷۸ بدست آمد.

### *پرسشنامه ویژگی‌های دموگرافیک: میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال والدین*

در این پژوهش سطح تحصیلات مادر و پدر در یک دسته‌بندی ۷ قسمتی شامل (بیسواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا) اندازه‌گیری شد. وضعیت اشتغال هم با یک مقیاس اسمی شاغل و غیر شاغل سنجیده شد.

### **یافته‌ها**

با توجه به جدول ۱ در گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم شغلی، ۲۸ نفر (۴۸/۳ درصد) دختر و ۳۰ نفر (۵۱/۷ درصد) پسر هستند. در حالی که در گروه با تصمیم شغلی ۳۷ نفر (۶۳/۸ درصد) دختر و ۲۱ نفر (۳۶/۲ درصد) پسر بوده‌اند. در گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم شغلی بیشتر افراد شامل ۲۳ نفر (۳۹/۷ درصد) در رشته علوم انسانی هستند در حالی که ۲۰ نفر (۳۴/۵ درصد) در رشته تجربی، ۷ نفر (۱۲/۱ درصد) در رشته ریاضی و ۸ نفر (۱۳/۸ درصد) در رشته کاردانش و فنی و حرفه‌ای قرار دارند. در حالی که در گروه با تصمیم شغلی، ۲۵ نفر (۴۳/۱ درصد) در رشته علوم انسانی، همین تعداد رشته تجربی هستند در حالی که ۸ نفر (۱۳/۸ درصد) در رشته ریاضی بوده و هیچ‌یک از دانش‌آموزان در این گروه در رشته کاردانش و فنی و حرفه‌ای مشغول به تحصیل نیستند. در هر دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم شغلی بیشتر افراد در طبقه اجتماعی متوسط قرار دارند که ۲۹ نفر (۵۰ درصد) نمونه در گروه بی‌تصمیم شغلی و ۳۷ نفر (۶۳/۸ درصد) در گروه با تصمیم‌گیری شغلی را شامل شده‌اند.

آزمون خی دو نشان داد که تفاوت فراوانی تعداد دختران و پسران ( $chi^2=2/83$ ,  $sig=0/192$ )، وضعیت اقتصادی ( $chi^2=7/7$ ,  $sig=0/173$ ) معنی دار نبوده است اما فراوانی رشته‌های تحصیلی در دو گروه دانش‌آموزان ( $chi^2=8/71$ ,  $sig=0/033$ ) معنی دار بود، لذا متغیرهای جمعیت شناختی جنسیت و وضعیت اقتصادی در هر دو گروه توزیع یکسانی داشته و نیازی به کنترل آن‌ها نیست اما رشته تحصیلی به عنوان متغیر کنترل در تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش برای تحلیل استنباطی نتایج از تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده شد، که به محقق این اجازه را می‌دهد تفاوت میانگین نمرات متغیرهای پژوهش را در گروه‌ها مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین لازم است پیش فرض‌های مورد نیاز جهت کاربرد آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همسانی واریانس‌های نمرات و بررسی برابری ماتریس واریانس - کوواریانس بررسی گردد.

نتایج آزمون نرمالیتی کلموگروف اسمیرنوف نشان داد که فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای پژوهش و ابعاد آن در گروه‌ها تأیید شده است ( $p > 0/05$ ) لذا پیش فرض نرمال بودن برقرار بود. جهت بررسی پیش فرض همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که این آزمون نیز نشان داد که واریانس نمرات در همه متغیرهای پژوهش همسان است ( $p > 0/05$ ). نتایج آزمون همگنی ماتریس واریانس - کواریانس با استفاده از آزمون باکس نیز نشان داد که این پیش فرض تأیید شده است ( $p > 0/05$ ).

نتایج یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها در جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌ها

متغیر	گروه‌ها	بی تصمیم	با تصمیم
سبک	فرزندپروری میانگین	۱۸/۴۱۳	۱۶/۹۸۲
سهل‌گیرانه	انحراف استاندارد	۶/۹۶۶	۴/۰۵۰
سبک فرزندپروری استبدادی	میانگین	۱۷/۰۳۴	۱۴/۷۵۸
	انحراف استاندارد	۷/۷۳۶	۴/۵۰۸
سبک فرزندپروری قاطعانه	میانگین	۲۷/۳۱۰	۳۰/۱۷۲
	انحراف استاندارد	۶/۴۸۱	۴/۹۴۲

عملکرد خانواده	میانگین	۲۶/۴۴۸	۲۹/۵۶۹
انحراف استاندارد		۴/۳۶۹	۴/۹۹۸

نتایج در جدول ۲ نشان داده است که میانگین نمرات سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و استبدادی در گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم بالاتر از دانش‌آموزان در گروه با تصمیم شغلی است و میانگین نمرات سبک فرزندپروری قاطعانه و عملکرد خانواده در دانش‌آموزان با تصمیم بالاتر از دانش‌آموزان در گروه بی‌تصمیم شغلی به دست آمده است.

### جدول ۳- فراوانی و درصد فراوانی تحصیلات و اشتغال والدین به تفکیک گروه‌ها

متغیر	گروه‌ها	بی‌تصمیم	با تصمیم
تحصیلات مادر	بیسواد	۷	۰
	درصد	۱۲/۱	۰
	فراوانی	۹	۶
راهنمایی	بیسواد	۱۵/۵	۱۰/۳
	درصد	۹	۱۱
	فراوانی	۱۵/۵	۱۹
دیپلم	بیسواد	۱۶	۳۳
	درصد	۲۷/۶	۵۶/۹
	فراوانی	۱۶	۵
لیسانس	بیسواد	۲۷/۶	۸/۶
	درصد	۱	۳
	فراوانی و فوق لیسانس	۱/۷	۵/۲
بالتر	بیسواد	۲	۱
	درصد	۳/۴	۱/۷
	فراوانی	۸	۵
بیسواد	بیسواد	۱۳/۸	۸/۶
	درصد	۷	۱۰
	فراوانی	۷	۱۰

۱۷/۲	۱۲/۱	درصد		
۲۲	۲۲	فراوانی	دیپلم	
۳۷/۹	۳۷/۹	درصد		
۱۶	۱۷	فراوانی	لیسانس	
۲۷/۶	۲۹/۳	درصد		
۴	۲	فراوانی	فوق لیسانس و	
۹/۶	۳/۴	درصد	بالا تر	
۴۸	۴۴	فراوانی	غیر شاغل	شغل مادر
۸۲/۸	۷۵/۹	درصد		
۱۰	۱۴	فراوانی	شاغل	
۱۷/۲	۲۴/۱	درصد		
۱	۳	فراوانی	غیر شاغل	شغل پدر
۱/۷	۵/۲	درصد		
۵۷	۵۵	فراوانی	شاغل	
۹۸/۳	۹۴/۸	درصد		

نتایج در جدول ۳ نشان داده است که در گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم شغلی، بیشتر مادران شامل ۱۶ نفر (۲۷/۶ درصد) تحصیلات دیپلم و همین تعداد تحصیلات لیسانس دارند. در حالی که در گروه با تصمیم‌گیری شغلی بیشتر مادران تحصیلات دیپلم دارند که شامل ۳۳ نفر (۵۶/۹ درصد) هستند. هم‌چنین در گروه با تصمیم هیچ یک از مادران بیسواد نبوده‌اند. در هر دو گروه بی‌تصمیم و با تصمیم بیشتر مادران غیر شاغل بوده‌اند که در گروه بی‌تصمیم ۴۴ نفر (۷۵/۹ درصد) و در گروه با تصمیم ۴۸ نفر (۸۲/۸ درصد) را شامل شده است. نتایج هم‌چنین در این جدول نشان داده است که در هر دو گروه بی‌تصمیم و با تصمیم‌گیری بیشتر پدران شاغل بوده‌اند که در گروه بی‌تصمیم ۵۵ نفر (۹۴/۸ درصد) و در گروه با تصمیم ۵۷ نفر (۹۸/۳ درصد) را شامل شده است.

نتایج آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره در جدول ۳ ارائه شده است.



جدول ۳- نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره، متغیرهای سبک‌های فرزند پروری و عملکرد خانواده

در دو گروه با کنترل رشته تحصیلی

اثر	ضریب	F	درجه	درجه	معنی	اندازه	توان
	لامبدای		آزادی	آزادی	داری	اثر	آماري
	ویلکز		خطا	فرض			
رشته	۰/۹۵۸	۱/۲۱	۴	۱۱۰	۰/۳۱۲	۰/۰۴۲	۰/۳۶۸
تحصیلی							
گروه	۰/۸۴	۵/۲۴	۴	۱۱۰	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۹۶۵

براساس یافته‌های به دست آمده در جدول ۳، میانگین نمرات حداقل یکی از سبک‌های فرزندپروری و عملکرد خانواده با کنترل رشته تحصیلی در دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و باتصمیم‌گیری شغلی تفاوت معنی‌داری دارد ( $P < 0/001$ ). لذا فرضیه اصلی پژوهش تأیید شده و فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت دو گروه رد شده است. نتایج نشان داده است که ۱۶ درصد از تفاوت‌های فردی در متغیرهای پژوهش به تفاوت بین دو گروه مربوط است. توان آماری بالاتر از ۹۶/۵ درصد به دست آمده است که نشان دهنده دقت قابل قبول آزمون در بررسی فرضیه‌ها و کافی بود حجم نمونه در بررسی فرضیه است.

نتایج تحلیل کواریانس تک متغیره بررسی تفاوت دو گروه در سبک‌های فرزندپروری و رشته تحصیلی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل کواریانس تک متغیره سبک‌های فرزند پروری و عملکرد خانواده در گروه

ها با کنترل رشته تحصیلی

منبع	مجموع	درجه	میانگین	F	معنی	حجم	توان
	مجذورات	آزادی	مجذورات		داری	اثر	آماري
رشد	۲۴/۸۵	۱	۲۴/۸۵	۰/۷۶۴	۰/۳۸۴	۰/۰۰۷	۰/۱۳۹
ته							
سهل‌گیرانه							
سبک فرزند پروری	۶۲/۳۲	۱	۶۲/۳۲	۱/۵۶	۰/۲۱۴	۰/۰۱۴	۰/۲۳۶
استبدادی							
سبک فرزندپروری	۶۲/۶	۱	۶۲/۶	۱/۹	۰/۱۷۱	۰/۰۱۷	۰/۲۷۷

قاطعانه							
۰/۲۱۷	۰/۰۱۲	۰/۲۳۹	۱/۴۰۳	۳۰/۸۲	۱	۳۰/۸۲	عملکرد خانواده
۰/۳۱	۰/۰۱۹	۰/۱۴۳	۲/۱۸	۷۰/۸۹	۱	۷۰/۸۹	سبک فرزند پروری
سهل گیرانه							
۰/۳۹۵	۰/۰۲۵	۰/۰۹	۲/۹۲	۱۱۶/۵۲	۱	۱۱۶/۵۲	سبک فرزند پروری
استبدادی							
۰/۷۰۹	۰/۰۴۹	۰/۰۱۷	۵/۸۷	۱۹۳/۳۶	۱	۱۹۳/۳۶	سبک فرزندپروری
قاطعانه							
۰/۹۵۹	۰/۱۱	۰/۰۰۱	۱۳/۹۳	۳۰۵/۸۵	۱	۳۰۵/۸۵	عملکرد خانواده
خطا							
				۳۲/۵۳	۱۱۳	۳۶۷۶/۲۰۵	سبک فرزند پروری
سهل گیرانه							
				۳۹/۸۹	۱۱۳	۴۵۰۸/۲۴	سبک فرزند پروری
استبدادی							
				۳۲/۹۶	۱۱۳	۳۷۲۴/۰۹	سبک فرزندپروری
قاطعانه							
				۲۱/۹۶	۱۱۳	۲۴۸۱/۷۵	عملکرد خانواده

نتایج جدول ۴ نشان داده است که با کنترل رشته تحصیلی، تفاوت میانگین نمرات در سبک فرزندپروری قاطعانه و عملکرد خانواده در بین دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم‌گیری شغلی معنی‌دار به دست آمده است ( $p < 0/05$ ). میزان تأثیر عضویت گروهی یا تفاوت دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم‌گیری شغلی در سبک فرزندپروری قاطعانه و عملکرد خانواده به ترتیب برابر با ۵ و ۱۱ درصد است. با توجه به میانگین نمرات در جدول ۱، سبک فرزندپروری قاطعانه و عملکرد خانواده در گروه دانش‌آموزان با تصمیم‌گیری شغلی به طور معنی‌داری بالاتر از گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم است. نتایج اما نشان داده است که پس از کنترل رشته تحصیلی، تفاوت بین میانگین نمرات سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و استبدادی در دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم‌گیری شغلی معنی‌دار به دست نیامده است ( $p > 0/05$ ).

جهت بررسی تفاوت فراوانی وضعیت تحصیلات و اشتغال والدین در دو گروه دانش‌آموزان با تصمیم و بی‌تصمیم از آزمون  $\chi^2$  دو دو متغیره استفاده شده است. نتایج در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون  $\chi^2$  دو دو متغیره جهت بررسی تفاوت فراوانی وضعیت اشتغال و تحصیلات والدین در دو گروه با تصمیم و بی‌تصمیم

متغیر	آماره $\chi^2$ دو	درجه آزادی	معنی داری
شغل مادر	۰/۸۴۱	۱	۰/۳۵۹
شغل پدر	۱/۰۴	۱	۰/۳۰۹
تحصیلات مادر	۲۰/۴۶	۵	۰/۰۰۱
تحصیلات پدر	۲/۲۵	۵	۰/۸۱۳

نتایج در جدول ۵ نشان داده است که بین فراوانی و درصد فراوانی وضعیت شغلی مادران و پدران در دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم تفاوت معنی‌داری نداشته است ( $p > 0/05$ ) و لذا فرضیه پژوهش رد شده و فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت وضعیت اشتغال والدین در دو گروه دانش‌آموزان تأیید شده است. اما نتایج در جدول فوق نشان داده است که فراوانی تحصیلات مادران در دو گروه دانش‌آموزان بی‌تصمیم و با تصمیم‌گیری شغلی تفاوت معنی‌داری دارد ( $p < 0/001$ ). براساس فراوانی‌های گزارش شده در جدول ۲، در گروه دانش‌آموزان با تصمیم، هیچ‌یک از مادران بی‌سواد نیستند و بیشتر مادران تحصیلات دیپلم دارند. در حالی که در گروه بی‌تصمیم ۷ نفر از مادران بی‌سواد بوده و بیشتر آن‌ها یا تحصیلات دیپلم و یا لیسانس دارند. بنابراین می‌توان گفت تحصیلات مادر بر روی تصمیم‌گیری شغلی دانش‌آموزان موثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه، عملکرد خانواده و تحصیلات مادر در دو گروه دانش‌آموزان با تصمیم‌گیری بالاتر از دانش‌آموزان بی‌تصمیم است و در متغیرهای اشتغال هر دو والد و تحصیلات پدر تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

نتایج پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که تصمیم‌گیری شغلی افراد ارتباط نزدیکی با عوامل محیطی، مانند خانواده (به عنوان مثال، فولیا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ براچر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ لیو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰) دارد. خانواده به عنوان اولین مکان اجتماعی شدن افراد، است از این رو برای پژوهشگران بسیار مهم است که رابطه بین عوامل خانوادگی و تصمیم‌گیری شغلی را بررسی کنند. نتایج پژوهش‌های انجام شده بر روی فرآیند رشد شغلی دانش‌آموزان از منظر تئوری سیستم‌های خانواده تایید می‌کند که تعامل خوب بین اعضای خانواده بر رشد شغلی آنان تأثیر می‌گذارد.

در میان بسیاری از عوامل خانوادگی، سبک‌های فرزندپروری به طور گسترده مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. سبک فرزندپروری خانواده به نحوه رفتار والدین با فرزندان خود در فرآیند تربیت آنها و نحوه آموزش آنها اشاره دارد که نقشی محوری در رشد و تکامل افراد دارد (وو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). آنا رو<sup>۵</sup> (۱۹۵۶) در نظریه خود به نقش و تأثیر والدین اشاره کرده و بیان کرد است که سبک‌های مختلف فرزندپروری می‌تواند بر فرآیند تصمیم‌گیری شغلی افراد تأثیر بگذارد. وی تاکید کرد که حمایت بیش از حد و امتناع، بیشتر به مشکلات تصمیم‌گیری شغلی منجر می‌شود و پذیرش و گرمی در سبک فرزندپروری می‌تواند اعتماد به نفس را بهبود بخشد، به طوری که افراد مسیر شغلی خود را راحت‌تر انتخاب می‌کنند. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌های دیگری نقش سبک‌های فرزندپروری در تصمیم‌گیری شغلی را مورد تأیید قرار داده اند (لیو، ۲۰۲۰؛ بلوستین<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱). لیو (۲۰۲۰) نیز بیان می‌کند سبک‌های فرزندپروری، ارتباط نزدیکی با تصمیمات شغلی در کودکان دارد و والدینی که می‌خواهند

---

1. Fulya, & et al

2. Bratcher

3. Liu

4. Wu, & et al

5. Ana Roe

6. Blustein

خودکارآمدی فرزندان خود را در تصمیم‌گیری‌های شغلی بهبود بخشند، می‌توانند با سبک‌های فرزندپروری مثبت شروع کنند. نتایج پژوهش دیگری نشان داد که رابطه مثبتی بین سبک استبدادی والدین و مشکلات تصمیم‌گیری شغلی وجود دارد (کوموندورو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). به زعم لیو (۲۰۰۸) نیز صمیمیت والدین به دانش‌آموزان احساس کارآمدی بالایی در تصمیم‌گیری شغلی می‌دهد که همین امر به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مشکلات تصمیم‌گیری شغلی را کاهش دهند و سطح تصمیم‌گیری شغلی خود را بهبود بخشیده و ارتقا دهند. هو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) بیان می‌کنند صمیمیت و گرمی والدین از طریق احساس مسئولیت‌پذیری، تأثیر غیرمستقیم و پایداری بر خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی داشته و کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی را بهبود می‌بخشد. علاوه‌براین، سبک‌های فرزندپروری غفلت‌آمیز و سهل‌گیر با نمرات بالاتری از مشکلات تصمیم‌گیری شغلی مرتبط است (به عنوان مثال، سووت و متز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴)؛ این بدان معناست که سبک‌های فرزندپروری منفی از کودکان در تصمیم‌گیری‌های شغلی از آنها حمایت نمی‌کند (فولیا و همکاران، ۲۰۱۰).

در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آنجایی که در سبک مقتدرانه، والدین رفتاری باثبات، روشن و انعطاف‌پذیر ارائه می‌دهند، به نظر می‌رسد آنها کنترل کاملی بر موقعیت‌ها دارند، در حالی که در عین حال به نظرات فرزندان خود گوش می‌دهند و به استقلال آنها نیز احترام می‌گذارند. این سبک بر اساس برخی از پژوهش‌ها با رفتارهای اکتشافی و کنجکاوانه شغلی در بین کودکان و نوجوانان مرتبط است (کراک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷؛ اشمیت-رودرموند و وندراچک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین می‌توان گفت فرزندان که سبک مقتدرانه را تجربه می‌کنند به دلیل ارتباط عاطفی گرم و صمیمانه بین خود و والدین شان، رشد می‌کنند و مشکلات کمتری در تصمیم‌گیری شغلی تجربه خواهند کرد. از آنجا که نتایج پژوهش‌های قبلی نیز به طور مداوم نقش سبک‌های مقتدرانه در ارتقای فرآیند تصمیم‌گیری شغلی را مورد تأیید قرار داده‌اند (به عنوان مثال، کوموندورو و همکاران ۲۰۱۱؛ لیو، ۲۰۰۸)، نتایج پژوهش کنونی نیز با یافته‌های این پژوهش‌ها

1. Koumoundourou, & et al

2. Hou

3. Sovet & Metz

4. Kracke

5. Schmitt-Rodermund & Vodracek

همخوانی دارد. بنابراین، تأکید بر مراقبت و راهنمایی والدین نسبت به افراد می‌تواند به طور مستقیم به دانش آموزان کمک کند تا به طور درستی تصمیمات شغلی خود را تکمیل کنند زیرا این دانش آموزان بیشتر تحت حمایت والدین خود قرار می‌گیرند و این باعث می‌شود که آنها بیشتر به کاوش شغلی بپردازند و در نتیجه تصمیم‌گیری شغلی درست و مناسبی داشته باشند. این یافته برای درک نقش سبک فرزندپروری مقتدرانه در مشکلات تصمیم‌گیری شغلی مهم بود و پیامدهای مهمی برای مداخلات شغلی دارد زیرا این سبک در پژوهش‌های مختلف با مفهوم خودپنداره مرتبط است و بر شایستگی، ابراز وجود و بلوغ نوجوانان نیز تأثیر تأثیر می‌گذارد (لامبورن و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱).

متغیر دیگری که در ارتباط با بی‌تصمیمی شغلی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، عملکرد خانواده است. عملکرد خانواده شامل ساختار روابط در خانواده، کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و ارتباطات درونی خانواده است (فنگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). در دوره نوجوانی، نوجوانان در حال شکل‌دهی احساسات و شفاف‌سازی هویت شغلی خود هستند (رودریگز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵)، از این‌رو، حمایت ادراک شده از بانفوذترین و مهمترین افراد زندگی‌شان، به احتمال فراوان تأثیر مستقیم و بیشتری بر روی تصمیم‌گیری شغلی آنان نسبت به سایر عوامل زمینه‌ای دیگر دارد (رایت و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تأثیر خانواده بر رشد مسیرشغلی افراد در دو بُعد وابسته به یکدیگر نشان داده می‌شود: ویژگی‌های ساختاری و فرآیندمحور (به عنوان مثال، کلر و ویستون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸ لیندستروم و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). ویژگی‌های ساختاری خانواده نمایانگر ویژگی‌های نسبتاً پایدار خانواده مانند وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده است و ویژگی‌های فرآیندمحور خانواده شامل فرآیندهای پویای خانواده مانند حمایت والدین و تعاملات اعضای خانواده، که بر

---

1. Lamborn

2. Fang

3. Rodríguez, & etal

4. Wright , & etal

5. Keller & Whiston

6. Lindstrom,& etal

آرزوهای شغلی، خودکارآمدی و تصمیم‌گیری شغلی نوجوانان تأثیر می‌گذارد (متنی و مک و ریتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ راجرز و کرید<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

در تبیین این یافته که عملکرد خانواده در بین دو گروه بی‌تصمیم و باتصمیم شغلی متفاوت است می‌توان گفت خانواده‌های دارای عملکرد بالا، دارای ویژگی‌های مثبتی همچون، انسجام، گرمی و صمیمیت، و بیانگری بیشتر، توانایی حل تعارض و مسئله بهتر هستند. همچنین اعضا خانواده به یکدیگر کمک می‌کنند، حس مثبت بهزیستی روانی بین آنان به وجود آید. با ایجاد حس با هم بودن، توانایی حل مسئله در تک تک اعضای خانواده بیشتر می‌شود. در نتیجه والدین از نوجوانان در تصمیم‌گیری شغلی حمایت می‌کنند، آنها را می‌پذیرند و با هم در فعالیت‌هایی مختلف برای شناسایی و یافتن شغل مناسب شرکت می‌کنند. از این‌رو، این خانواده‌ها محیط و جو بهتر و سازنده‌تری برای نوجوانان به وجود می‌آورند و همین امر بر روی شناسایی اهداف، جستجوی اطلاعات و انتخاب شغل نوجوانان تأثیر می‌گذارد (جینورا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). رستوبوگ و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نیز دریافتند که ارتباط خوب والدین، حمایت آنان، تصمیم‌گیری شغلی و احساس استقلال را در نوجوانان تسهیل می‌کند و در نتیجه بر تصمیم‌گیری شغلی افراد (یعنی سطح اطمینان از یک تصمیم شغلی خاص) تأثیر ماندگارتری می‌گذارد. هنگام بررسی عملکرد خانواده در تصمیم‌گیری و رشد مسیر شغلی نوجوانان، بسیاری از پژوهش‌ها بر تأثیر «گسترده» روابط والدین یا رفتارهای عمومی والدین تمرکز داشتند. کلر و ویستون (۲۰۰۸) پیشنهاد کردند که بررسی رفتارهای خاص والدین بر رشد شغلی نوجوانان (به عنوان مثال، ارائه اطلاعات در مورد مشاغل خاص و تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌های کاوش شغلی) می‌تواند ماهیت پیچیده تأثیرات خانواده را آشکار کند. رفتارهای مرتبط با شغل والدین به اقدامات مشخصی اشاره دارد که شامل رفتارهای حمایت روانی-اجتماعی عمومی والدین (مانند حمایت عاطفی، تشویق، انتظار و راهنمایی عمومی) و همچنین ارائه اطلاعات مکتوب به نوجوانان در مورد مشاغل، اشاره دارد (کلر و ویستون،

1. Metheny & McWhirter

2. Rogers & Creed

3. Ginevra, & etal

4. Restubog, & etal

۲۰۰۸). نتایج پژوهش پنک و چپسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) نشان داد عملکرد خانوادگی به عنوان یک متغیر مهم نسبت به متغیرهای دیگری همچون جنسیت، عوامل اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در پیش‌بینی تصمیم‌گیری و رشد شغلی تأثیر گذار بود. یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین تحصیلات مادران در گروه بی‌تصمیم و با تصمیم شغلی تفاوت وجود دارد. وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده یک شاخص مهم از ساختار خانواده است که موقعیت اجتماعی، قدرت و منابع را نشان می‌دهد (کانگر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده معمولاً دستاوردهای تحصیلی و شغلی والدین و همچنین منابع آموزشی، مالی، ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد که نوجوانان می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند. در نتیجه، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری شغلی و کسب موقعیت شغلی نوجوانان دارد (روجوسکی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ ویستون و کلر، ۲۰۰۴).

والدین در خانواده‌های با وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده بالاتر به عنوان مثال تحصیلات بالاتر به احتمال زیاد از کاوش شغلی کودک حمایت و تشویق می‌کنند و به احتمال زیاد اطلاعات و منابعی را برای برنامه‌ریزی شغلی و تصمیم‌گیری نوجوانان فراهم می‌کنند (هسیه و هوانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). بر اساس پژوهشی نوجوانان این خانواده‌ها اغلب انتظارات بالاتری از تحصیلات دارند و آرزوی مشاغل معتبرتری را گزارش می‌دهند (روژوسکی و کیم<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳) آنها همچنین تمایل بیشتری به ابراز علاقه به کار به عنوان یک منبع رضایت شخصی، مشارکت بیشتر در اکتشاف شغلی و فعالیت‌های طرح‌ریزی شغلی دارند و تصمیم‌گیری شغلی خوبی را گزارش می‌کنند. در مقابل نوجوانان با خانواده‌های سطح وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر اغلب موانع بیشتر و حمایت خانواده کمتری را در فرآیند تصمیم‌گیری شغلی نسبت به همتایان

1. Penick & Jepsen

2. Conger, & etal

3. Rojewski

4. Hsieh & Huang

5. Rojewski & Kim



خود درک می‌کنند (متنی و مک ویرتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد یکی از تبیین‌ها در زمینه تفاوت تحصیلی مادران در دو گروه با تصمیم و بی‌تصمیم این است که در خانواده‌های ایرانی مادر بیشتر از پدر درگیر امور فرزندان هستند لذا تحصیلات بالای مادران می‌تواند نقش موثری در وقت گذاشتن بیشتر با نوجوانان و مشورت با آنها در زمینه مسیر شغلی‌شان گذاشته و آنها را به سمت تصمیم‌گیری مناسب‌تری در زمینه شغلی پیش ببرد. این یافته با نتایج تحقیق محمدپور و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

با توجه به این نتایج می‌توان گفت بهبود عملکرد خانواده و سبک‌های فرزندپروری و همچنین بالا رفتن تحصیلات مادران می‌تواند بی‌تصمیمی مسیرشغلی دانش‌آموزان را که امروزه بسیار شایع شده است، بهبود ببخشد. لذا آگاهی والدین از این عوامل و کمک به رشد و پیشرفت آنان در این زمینه می‌تواند گام مهمی در جهت غلبه بر بی‌تصمیمی مسیرشغلی باشد.

### تشکر و قدردانی

از تمامی عوامل مهم آموزش و پرورش شهرستان بروجن خصوصا دانش‌آموزان پایه دوازدهم این شهر که این پژوهش شرکت کردند صمیمانه قدردانی می‌شود. همچنین از معلمان، مدیران و مربیان مدارس نیز کمال سپاسگزاری را داریم.

---

1. Metheny & McWhirter

## منابع

- ۱) اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- ۲) بخشی‌پور، باب‌اله، اسدی، مسعود، کیانی، احمدرضا، شیرعلی‌پور، اصغر. و احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۱۳(۲): ۱۱-۲۱.
- ۳) ثنائی، باقر. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات بعثت
- ۴) کریمی، جواد. (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری شغلی بر خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی و بی‌تصمیمی شغلی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- ۵) محمودپور، عبدالباسط، ولدخانی، مریم، وضعیتی، نسرین. و آسایش، محمد حسن. (۱۳۹۶). رابطه بین سطح تحصیلات و کار مادر با خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم مدارس شهر تهران در سال ۱۳۹۳. جامعه سلامت. ۱(۹)، ۹-۱.
- ۶) نجاریان، فاطمه. (۱۳۷۴). عوامل موثر در کارایی خانواده: بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس سنجش خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه مشاوره. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- ۷) نیلفروشان، پریسا. (۱۳۹۳). بی‌تصمیمی مسیر شغلی در پسران: نقش عوامل فردی و سبک فرزند پروری والدین. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۱۵(۳)، ۶۲-۵۴.
- 8) Blickle, G., Meurs, J. A., Wihler, A., Ewen, C., Merkl, R., & Missfeld, T. (2015). Extraversion and job performance: How context relevance and bandwidth specificity create a non-linear, positive, and asymptotic relationship. *Journal of Vocational Behavior*, 87, 80-88.
- 9) Blustein, D. L. (2011). A context-rich perspective of career exploration across the life roles. *career development quarterly*, 45, 260-274.

- 10) Blustein, D. L., Walbridge, M. M., Friedlander, M. L., & Palladino, D. E. (1991). Contributions of psychological separation and parental attachment to the career development process. *Journal of counseling psychology*, 38(1), 39.
- 11) Bratcher, W. E. (2011). The Influence of the family on career selection: A family systems perspective. *Journal of Counseling & Development*, 61, 87–91.
- 12) Brown, S. D., Rector, C. C. (2008). Conceptualizing and diagnosing problems in career decision-making. In Brown, S. D., Lent, R. W. (Eds.), *Handbook of counseling psychology* (4th ed., pp. 392–407). New York, NY: Wiley
- 13) Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- 14) Conger, R. D., Conger, K. J., & Martin, M. J. (2010). Socioeconomic status, family processes, and individual development. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 685–704.
- 15) Daniels, L. M., Stewart, T. L., Stupnisky, R. H., Perry, R. P., & LoVerso, T. (2011). Relieving career anxiety and indecision: The role of undergraduate students' perceived control and faculty affiliations. *Social Psychology of Education: An International Journal*, 14(3), 409–426.
- 16) Dewberry, C., Juanchich, M., & Narendran, S. (2013). The latent structure of decision styles. *Personality and Individual Differences*, 54(5), 566-571.
- 17) Dweck, C., & Leggett, E. (1988). A social cognitive approach to motivation and personality. *Psychological Review*, 95(2), 256-273.
- 18) Epstein, N. B., Baldwin, L. M. and Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9(2), 171-180.
- 19) Fabio, A. D., Palazzeschi, L., Asulin-Peretz, L. & Gati, I. (2013). Career Indecision versus Indecisiveness: Associations with Personality Traits and Emotional Intelligence. *Journal of Career Assessment*, 21(1), 42-56
- 20) Fang, X., Xu, J., Sun, L., & Zhang, J. (2004). Family functioning: theory, influencing factors, and its relationship with adolescent social adjustment. *Advances in Psychological Science*, 12(04), 544.
- 21) Fouad, N. A., Kantamneni, N., Smothers, M. K., Chen, Y. L., Fitzpatrick, M., & Terry, S. (2008). Asian American career development: A qualitative analysis. *Journal of Vocational Behavior*, 43 (1), 43-59.
- 22) Fouad, N. A., Kim, S. Y., Ghosh, A., Chang, W. H., & Figueiredo, C. (2016). Family influence on career decision making: Validation in India and the United States. *Journal of Career Assessment*, 24(1), 197-212.

- 23) Fulya, C. Ö, Oğuzhan, K., and Erkan, I. (2010). High school students' career decision-making pattern across parenting styles and parental attachment levels. *Electron. Journal of Educational Psychology*, 8, 263–280.
- 24) Gati, I., Krausz, M., & Osipow, S. H. (1996). A taxonomy of difficulties in career decision making. *Journal of counseling psychology*, 43(4), 510.
- 25) Georgia Koumoundourou, I. T. (2011). Parental Influences on Greek Adolescents' Career Decision-Making Difficulties: The Mediating Role of Core Self-Evaluations. *Journal of Career Assessment*, 19(2), 165-182.
- 26) Ginevra, M. C., Nota, L., & Ferrari, L. (2015). Parental support in adolescents' career development: Parents' and children's perceptions. *Career Development Quarterly*, 63(1), 2–15.
- 27) Greenhaus, J. H., Callanan, G. A., & Kaplan, E. (1995). The role of goal setting in Career management. *International Journal of Management*. 7(5). 3-12.
- 28) Guerra, A. L., & Braungart-Rieker, J. M. (1999). Predicting career indecision in college students: The roles of identity formation and parental relationship factors. *The career development quarterly*, 47(3), 255-266.
- 29) Hackett, G., & Betz, N. E. (1995). Self-efficacy and career choice and development. In J. E. Maddux (Ed.), *Self-Efficacy, adaptation, and adjustment: theory, research, and application* (pp. 249-280). NewYork: Plenum Press.
- 30) Hartman, B. W., Fuqua, D. R. & Hartman, P. T. (1983). The construct validity of the Career Decision Scale administered to high school students. *Vocational Guidance Quarterly*, 31(4), 250–258.
- 31) Hou, C. N., Wu, L., and Liu, Z. J. (2013). Research on the mediating regulation of parental emotional warmth, cultural and sense of responsibility in family factors on college students' career decision-making self-efficacy. *psychological science*, 36, 103–108.
- 32) Hsieh, H.-H., & Huang, J.-T. (2014). The effects of socioeconomic status and proactive personality on career decision self-efficacy. *Career Development Quarterly*, 62(1), 29–43.
- 33) Jago, R., Davison, K.K., Brockman, R., Angie, S., & Pagea, Janice L. (2011). Thompsona, and KennethR. Fox. Parenting styles, parenting practices, and physical activity in 10-to 11-year olds. *Prev Med*. January, 52(1-3), 44-47.
- 34) Jemini-Gashi, L., Duraku, Z. H., & Kelmendi, K. (2021). Associations between social support, career self-efficacy, and career indecision among youth. *Current Psychology*, 40(9), 4691-4697.

- 35) Keller, B. K., & Whiston, S. C. (2008). The role of parental influences on young adolescents' career development. *Journal of Career Assessment*, 16(2), 198–217.
- 36) Keller, B. K., Whiston, S. C. (2008). The role of parental influences on young adolescents' career development. *Journal of Career Assessment*, 16(2) 198-217.
- 37) Kelly, K. R., & Lee, W. C. (2002). Mapping the domain of career decision problems. *Journal of Vocational Behavior*, 61(2), 302-326.
- 38) Kenny, M. E., & Bledsoe, M. (2005). Contributions of the relational context to career adaptability among urban adolescents. *Journal of Vocational Behavior*, 66(2), 257–272.
- 39) Kim, B., Jang, S. H., Jung, S. H., Lee, B. H., Puig, A., & Lee, S. M. (2014). A moderated mediation model of planned happenstance skills, career engagement, career decision self-efficacy, and career decision certainty. *The Career Development Quarterly*, 62(1), 56-69.
- 40) Kishor, N. (1981). The effect of self-esteem and locus of control in career decision making of adolescents in Fiji. *Journal of Vocational Behavior*, 19(2), 227-232.
- 41) Kleiman, T., Gati, I., Peterson, G., Sampson, J., Reardon, R., & Lenz, J. (2004). Dysfunctional thinking and difficulties in career decision making. *Journal of Career Assessment*, 12(3), 312-331.
- 42) Kleiman, Tali., Gati, I., Peterson, Gary., Sampson, J., Reardon, R & Lenz, J. (2004). Dysfunctional thinking and difficulties in career decision making. *Journal of Career assessment*, 12(3). 312-331.
- 43) Koumoundourou, G., Tsaoasis, I., & Kounenou, K. (2011). Parental influences on Greek adolescents' career decision-making difficulties: The mediating role of core self-evaluations. *Journal of Career Assessment*, 19(2), 165-182.
- 44) Koumoundourou, G., Tsaoasis, I., and Kounenou, K. (2011). Parental influences on Greek adolescents' career decision-making difficulties: The mediating role of core self-evaluations. *Journal Career Assessment*, 19, 165–182.
- 45) Koumoundourou, G., Tsaoasis, I., & Kounenou, K. (2011). Parental influences on Greek Adolescents Career decision- making difficulties: The mediating role of core self- evaluations. *Journal of Career Assessment*, 19(2), 165-182
- 46) Kracke, B. (1997). Parental behaviors and adolescents' career exploration. *The Career Development Quarterly*, 45(4), 341-350.
- 47) Kracke, B. (1997). Parental behaviors and adolescents' career exploration. *The Career Development Quarterly*, 45, 341–350.

- 
- 49) Kush, K., & Cochran, L. (1993). Enhancing a sense of agency through career planning. *Journal of Counseling Psychology*, 40(4), 434–439.
  - 50) Lamborn, S. D., Mounts, N. S., Steinberg, L., & Dornbusch, S. M. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 62, 1049–1065.
  - 51) Lent, R. W., Brown, S. D., & Hackett, G. (2000). Contextual supports and barriers to career choice: A social cognitive analysis. *Journal of counseling psychology*, 47(1), 36.
  - 52) Lent, R. W., Brown, S. D., Nota, L., & Soresi, S. (2003). Testing social cognitive interest and choice hypotheses across Holland types in Italian high school students. *Journal of Vocational Behavior*, 62(1), 101–118.
  - 53) Lindstrom, L., Doren, B., Metheny, J., Johnson, P., & Zane, C. (2007). Transition to employment: Role of the family in career development. *Exceptional Children*, 73(3), 348–366.
  - 54) Liu, K. (2020). The influence of parenting styles on high school students' engagement in learning. Ph. D. thesis. Shanghai: Huazhong Normal University.
  - 55) Machebe, C. H., Ezegbe, B. N., & Onuoha, J. (2017). The Impact of Parental Level of Income on Students' Academic Performance in High School in Japan. *Universal Journal of Educational Research*, 5(9), 1614-1620.
  - 56) Marcionetti, J., & Rossier, J. (2016). The parental career-related behaviors (PCB) questionnaire: Italian validation. *Testing, Psychometrics, Methodology in Applied Psychology*, 23, 347-363. doi: 10.4473/TPM23.3.6
  - 57) McKay, S. (2019). Building a better referendum: Linking mini publics and mass publics in popular votes. *Journal of Public Deliberation*, 15(1).
  - 58) Metheny, J., & McWhirter, E. H. (2013). Contributions of social status and family support to
  - 59) college students' career decision self-efficacy and outcome expectations. *Journal of Career Assessment*, 21(3), 378–394.
  - 60) Metheny, J., & McWhirter, E. H. (2013). Contributions of social status and family support to
  - 61) college students' career decision self-efficacy and outcome expectations. *Journal of Career Assessment*, 21(3), 378–394.
  - 62) Miller, A. D., & Rottinghaus, P. J. (2014). Career Indecision, Meaning in Life, and Anxiety: An Existential Framework. *Journal of Career Assessment*, 22(2), 233–247.

- 63) Nalbantoglu Yilmaz, F., & Cetin Gunduz, H. (2018). Career Indecision and Career Anxiety in High School Students: An investigation through structural equation modelling. *Eurasian Journal of Educational Research*, 18 (78), 23-42.
- 64) Osipow, S. H. (1999). Assessing career indecision. *Journal of Vocational Behavior*, 55(1), 147-54.
- 65) Osipow, S. H., Carney, C. G., & Barak, A. (1976). A scale of educational-vocational undecidedness: A typological approach. *Journal of vocational Behavior*, 9(2), 233-243.
- 66) Parola, A., Fusco, L., & Marcionetti, J. (2022). The parental career-related behaviors questionnaire (PCB): Psychometric properties in adolescents and young adults in the Italian context. *Current Psychology*, 1-11.
- 67) Peng, H., & Johanson, R. (2006). career maturity and state anxiety of taiwanese college student athletes given cognitive career - oriented group counseling. *Psychological Reports*.
- 68) Penick, N.I., & Jepsen, D.A. (1992). Family functioning and adolescent career development. *The career development quarterly*, 40, 208-222
- 69) Portes, P. R., Howell, S. C., Brown, J. H., Eichenberger, S., & Mas, C. A. (1992). Family functions and children's postdivorce adjustment. *American Journal of Orthopsychiatry*, 62(4), 613-617.
- 70) Restubog, S. L. D., Florentino, A. R., & Garcia, P. R. J. M. (2010). The mediating roles of career
- 71) self-efficacy and career decidedness in the relationship between contextual support and
- 72) persistence. *Journal of Vocational Behavior*, 77(2), 186-195
- 73) Rodríguez, C., Inda, M., & Fernández, C. M. (2015). Influence of social cognitive and gender
- 74) variables on technological academic interest among Spanish high-school students: Testin
- 75) social cognitive career theory. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*. Advance online publication.
- 76) Roe, A. (1956). The psychology of occupations. *The American Journal of Psychology*, 8, 34-36.
- 77) Rogers, M. E., & Creed, P. A. (2011). A longitudinal examination of adolescent career planning
- 78) and exploration using a social cognitive career theory framework. *Journal of Adolescence*, 34(1), 163-172.
- 79) Rojewski, J. W. (1997). Effects of economic disadvantaged status and secondary vocational

- 80) education on adolescent work experience and postsecondary aspirations. *Journal of Vocational and Technical Education*, 14(1), 43–59.
- 81) Rojewski, J. W., & Kim, H. (2003). Career choice patterns and behavior of work-bound youth during early adolescence. *Journal of Career Development*, 30(2), 89–108.
- 82) Santos, P. J. (2001). Predictors of generalized indecision among Portuguese secondary school students. *Journal of Career Assessment*, 9, 381-396
- 83) Savickas, M.L. (1995), *Constructivist Counseling for Career Indecision*. *The Career Development Quarterly*, 43: 363-373.
- 84) Schmitt-Rodermund, E., & Vodracek, F. W. (1999). Breadth of interests, exploration, and identity development in adolescence. *Journal of Vocational Behavior*, 55, 298–317.
- 85) Skorikov, V. (2007). Continuity in adolescent career preparation and its effects on adjustment. *Journal of vocational behavior*, 70(1), 8-24.
- 86) Sovet, L., and Metz, A. J. (2014). Parenting styles and career decision-making among French and Korean adolescents. *Journal of vocational behavior*, 84, 345–355.
- 87) Super, D. E. (1980). A life-span, life-space approach to career development. *Journal of vocational behavior*, 16(3), 282-298.
- 88) Taylor, K. M. (1982). An investigation of vocational indecision in college students: Correlates and moderators. *Journal of Vocational Behavior*, 21(3), 318-329.
- 89) Tracey, T. J. G., Lent, R. W., Brown, S. D., Soresi, S., & Nota, L. (2006). Adherence to RIASEC structure in relation to career exploration and parenting style: Longitudinal and idiographic considerations. *Journal of Vocational Behavior*, 69(2), 248–261.
- 90) Uthayakumar, R., Schimmack, U., Hartung, P. J., & Rogers, J. R. (2010). Career decidedness as a predictor of subjective well-being. *Journal of Vocational Behavior*, 77(2), 196-204.
- 91) Walker, J.V., & Peterson, G. W. (2012). Career Thoughts, Indecision, and Depression Implications for Mental Health Assessment in Career Counseling. *Journal of Career Assessment*, 20(4), 497-506.
- 92) Whiston, S. C., & Keller, B. K. (2004). The influences of the family of origin on career development: A review and analysis. *Counseling Psychologist*, 32(4), 493–568.



- 95) Whiston, S. C., & Keller, B. K. (2004). The influences of the family of origin on career development: A review and analysis. *The counseling psychologist*, 32(4), 493-568.
- 96) Wolfe, J. B., & Betz, N. E. (2004). The relationship of attachment variables to career decision-making self-efficacy and fear of commitment. *The Career Development Quarterly*, 52(4), 363-369.
- 97) Wright, S. L., & Perrone, K. M. (2010). An examination of the role of attachment and efficacy in life satisfaction. *The Counseling Psychologist*, 38(6), 796-823.
- 98) Wright, S. L., Perrone-McGovern, K. M., Boo, J. N., & White, A. V. (2014). Influential factors i
- 99) academic and career self-efficacy: Attachment, supports, and career barriers. *Journal of*
- 100) *Counseling and Development*, 92(1), 36-46.
- 101) Wu, M. (2009). The relationship between parent style, career decision self-efficacy, and career maturity of Asian American college students. Dissertation in Doctor of Education. University of Southern California.
- 102) Wu, S. J., Wei, G. N., Zou, Z. L., Liang, B. T., and Dong, B. Q. (2020). A study on the correlation between family parenting style and leisuiredness among college students. *Comparat. Study Cultur and Innovat*, 4, 7-9.